ما شاء الله لا قوة الا بالله

این کتاب فیض اکتساب مجموعه چند ضروری مسائل عقاید فقه نافع خواص و عوام موسوم



مؤلفه عالم فاضل فقیه کامل جناب مولوی شیخ محمد صاحب هاشمی بن شیخ اسمٰعیل صاحب دام فیضه

در مطبع نور گر سکندرآباد چهپ شد

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اللهم اهدنا الصراط المستقیم وصل وسلم علی نبیک الکریم وعلی آله واصحابه اجمعین - اما بعد چون این فقیر الی العزیز سید محمد هاشمی بن سید اسمعیل غفر اللہ لهما خواست که طلباء تحتانیه مدرسه اسلامیه [illegible] مسائل عقلیه و فقه که ضروری باشد بگویم. لیکن کتابیکه در خورد استعداد آنها باشد - درین زبان نیافتم بنابران سطرے چند که محتوی مضمون ایه المقصود باشد بقید در آوردم واین را **معین الاسلام** نام کردم وما التوفیق الا بالله -

در ذکر عقائد ضروری بیان اینکه او تعالی یگانه است بذات پاک خویش و انباز نباشد کسی در ملک او - بیچون و بیچگونه هست - و بے رنگ و بی بو هست جسم ندارد نه زمان - جهت دارد نه مکان - همیشه هست و خواهد بود - و صفات او همیشه اند و نقصان نیست صفات ویرا - او تعالی زنده هست نه بجان - دانا هست نه به علم - توانا نیرو شنوا هست نه بگوش - بینا هست نه بچشم - گویا هست نه به زبان - همه چیز از خدا وی هست - پاک هست از عیبها و نقصانها **عقیده** اصل ایمان اقرار کردن است بزبان و یقین دانستن از دل بمضمون کلمه **لا اله الا الله محمد الرسول الله** یعنی نیست معبودی که لائق پرستش باشد مگر الله تعالی و محمد رسول الله صلعم فرستاده خدا **عقیده** ایمان مفصل اینست که اقرار کند بزبان به راستی دل که گرویدم بخدا تعالی و بفرشتگان او و بکتابهاے او و بر رسولان او و بر روز قیامت و بر تقدیر نیکی و بدی که از خدای است **ایمان مجمل** آنکه - ایمان آورد بهمه حقها و انکار کند از همه باطلها - او تعالی از نیکی خوشنود هست و از بدی ناخوش - **عقیده** حضرت صلی الله علیه وسلم آنچه از پیش خدا تعالی از اوامر و نواهی آورده اند همه حق است سوال منکر و نکیر در گور و حشر و نشر و حساب و کتاب و کراما کاتبین و ثواب و عذاب و ضغطه قبر

میزان و پل صراط همه حق است عقیده دوزخ برای کافران است و بهشت
برای مسلمانان — عقیده خدای تعالی همه را بیامرزد مگر مشرک را عقیده
کرامت اولیا و شفاعت انبیا و صلحا و شهدا و اطفال مسلمانان حق است عقیده
حضرت ما صلی الله علیه وسلم را اذن شفاعت در دنیا شده است و ظهور او در قیامت
خواهد شد عقیده ثواب دعا و خیرات و عمل نیک مر مردگان را می رسد عقیده
بنای اسلام پنج است کلمه گفتن — نماز گذاردن — روزه داشتن در ماه صیام
زکوة دادن — حج گذاردن در حال استطاعت عقیده واجبات اسلام هفت است
صدقهٔ فطر — قربانی اضحی — نماز وتر — نفقهٔ ذوی الارحام — خدمت مادر و پدر — خدمت
شوهر مر زن را — عمره بجا آوردن — عقیده سنتهای اسلام — موی لب
باز کردن — موی زیر ناف تراشیدن — ناخن چیدن — موی زیر بغل دور کردن —
مسواک کردن — ختنه کردن — عقیده تفصیل گناه کبیره — شرک کردن بخدای تعالی
قتل کردن مومن را بناحق — تهمت به زنا کردن زن شوهردار را — فرار نمودن
از جنگ کفار — سحر کردن — خوردن مال یتیم — نافرمانی کردن مادر و پدر را — شراب
خوردن — و مانند آن چنانچه شهادت نادیده ادا کردن — سوگند دروغ خوردن —
فراق و غیبت کردن وغیره مسئله فرض بر سه گونه است — فرض عین — فرض
کفایه — فرض ظنی — فرض عین آنست که یک یک فرد را بدان قیام باید نمود که از قیام یکی بدان از ذمهٔ دیگران
ساقط نشود — مانند پنج بنای اسلام — فرض کفایه آنست که چون بعضی بدان قیام
نمایند از ذمهٔ دیگران ساقط گردد مانند جواب سلام و جواب عطسه و نماز جنازه — و
عیادت بیمار — فرض ظنی آنست که باجتهاد مجتهدان ثابت شده باشد مانند آب
در دهن و بینی کردن در غسل — مسئله فرض عین بر دو قسم است فرض دائمی —
فرض موقتی — فرض دائمی مانند معرفت حق و بیزاری از کفر و موجبات آن — فرض موقتی
مانند نماز و روزه و زکوة و حج فائده مجتهدین اهل سنت چهار اند اول امام اعظم رح
یعنی ابوحنیفهٔ کوفی که نام مبارک او نعمان بن ثابت است مناقب او بسیار اند امام اعظم رح
شاگرد امام جعفر صادق علیه الرحمة و هم حسن بن مثنی بعد تحصیل عزلت نشین
گردید و بحکم رسول الله صلی الله علیه وسلم از قرآن و حدیث مسائل می برآورد دوم
امام شافعی رح سوم امام مالک رح چهارم امام احمد حنبل رح رحمهم الله تعالی —
عقیده از همه انبیا حضرت ما صلی الله علیه وسلم افضل اند پس حضرت
ابراهیم ع و موسی ع و عیسی ع و نوح ع و اسحاق ع و یعقوب ع و ادریس ع و یوسف ع

و اسمٰعیل و یونس علیہم السلام عقیدہ کا یاران پیغمبر صلے اللہ علیہ وسلم چہار اند
اول حضرت ابابکر صدیق رض دوم حضرت عمر فاروق رض سوم حضرت عثمان ذی النورین
چہارم حضرت علی ابن ابی طالب رض رضی اللہ تعالے عنہم ـ عقیدہ کا کتب آسمانی
چہار اند زبور انجیل ـ توریت ـ فرقان مجید عقیدہ کا چہار فرشتہ مقرب اند
جبرئیل ـ میکائیل ـ عزرائیل علیہم السلام ـ

در ذکر عبادات

بدان ای فرزندان کہ عبادت بر چہار قسم است اول فرض کہ از نص قطعی ثابت شدہ است و منکرش کافر گردد و تارک آن لائق عذاب ـ دوم واجب کہ منکرش کافر نگردد مگر تارکش در عذاب باشد ـ سوم سنت کہ منکرش بعد تحقیق کافر باشد و تارک آن سزاوار ملامت و عتاب ـ چہارم نفل کہ عامل او ثواب باشد ـ **در ذکر وضو** بدانکہ در وضو چہار فرض است اول روی شستن از موی پیشانی تا زیر زنخ و از یک نرمہ گوش تا نرمہ گوش دیگر دوم ہر دو دست شستن تا آرنج سوم مسح ربع سر از ہر طرف کہ خواہد چہارم پای شستن تا شتالنگ **در ذکر سنتہای وضوء** ـ سنت است در وضو نیت کردن ـ نام خدا بر زبان راندن ـ ہر دو دست شستن تا بند دست ـ مسواک کردن ـ آب در بینی ـ و دہان کردن ـ خلال کردن انگشتان و ریش را ـ و سہ بار شستن ہر عضو را ـ مسح کردن تمام سر را ـ ترتیب نگاہداشتن پی در پی شستن ـ **در ذکر مستحبات وضوء** مستحب است در وضو شروع کردن از جانب راست ـ مسح گردن ـ **مسئلہ** شرط وجوب وضو نماز است ـ شرط وجوب نماز وقت است ـ **در ذکر شکنندہ گان وضو** ـ می شکنند وضو را آنچہ از پیش و پس ظاہر گردد ـ خون روان ـ زرد آب روان ـ خواب تکیہ زدہ ـ قی بہ پری دہن لخت لخت یا یا خون بستہ اگر با خون بزاق شامل و غالب باشد ناقض نیست ہمچنین قی از بلغم خالص بیہوشی ـ دیوانگی ـ خندہ قہقہہ در نمازیکہ رکوع و سجود دارد ـ مباشرت فاحشہ **در ذکر فرایض غسل** بدانکہ در غسل سہ چیز فرض است آب در بینی و دہن کردن ـ و تمام اندام را شستن ـ **مسئلہ** اگر بافتہ اصول موی بافتہ زن آب برسد کشادنش ضرور نیست ـ **مسئلہ** سنت است شستن ہر دو دست تا بند از نجاست و شستن شرمگاہ و دور کردن نجاست از بدن ـ مگر ہر دو پاے را بعد غسل بشوید و سہ بار بر اندام آب روان سازد ـ **مسئلہ در واجبات غسل** ـ

بدان که غسل از چهار چیز واجب میشود۔ اول غائب شدن سر ذکر در قبل یا دبر۔ دوم
انزال منی بر سبیل دفق و شهوت باشد در خواب یا در وقت بیداری سوم از حیض
چهارم از نفاس بعد از پاک شدن مسئله از بر آمدن ودی و مذی و از احتلام که
[illegible] نباشد غسل لازم نمی آید۔ مسئله سنت است غسل روز آدینه و عیدین
[illegible] روز عرفه۔ مسئله واجب است غسل مرده بر زندگان و غسل
[illegible] اسلام [illegible] اگر جنب باشد ورنه مستحب۔ مسئله در تیمم چهار فرض است
اول نیت کردن دوم خاک پاک سوم یک ضرب برای روی چهارم ضرب دیگر
برای هر دو دست۔ مسئله شکننده وضو مبطل تیمم است دیگر قدرت استعمال
آب متیمم جایز می شود در حالیکه آب بقدر یک کروه باشد یا بیمار را که خوف مضرت باشد
یا بر نگاهبان آب خوف دشمن یا سباع باشد یا قیمت دو چند دارد و یا بر چاه وسیله دیگر
اسباب آوردن آب موجود نباشد مسئله در نمازیکه خلف او را نباشد تیمم روا است
مسئله محدث را تیمم بجاے وضو است و مجنب را بجای غسل است مسئله
از یک تیمم دو فرض یا زیاده گذاردن جایز است۔ در ذکر آب آب روان
و آب ده در ده پاک باشد تا وقتیکه رنگ یا بو یا مزه متغیر نشود۔ مسئله
سواے آب روان و آب کثیر نجاست کم باشد یا بسیار نجس باشد از آب جاری
وضو و غسل جایز است اگر نجاست دران افتاده باشد لیکن شرط آن است که
اثر نجاست ظاهر نباشد۔ مسئله هر جانوریکه خون روان ندارد مردنش آب را
نجس نمی کند چنانکه مگس و پشه و ماهی و غوک۔ مسئله اگر برابر موش حیوانے
در آب افتد و میرد بست دلو میانه کشند۔ اگر برابر حمام باشد چهل دلو میانه کشند۔
و هر چه مانند گربه باشد شصت دلو بر کشند و هر چه مانند گوسفند باشد همه آب بر کشند
و اگر جانورے اماس کرده یا پاره پاره گردیده یا موئے از تنش فرو ریخته باشد
یا شکم دریده باشد همه آب از چاه خالی سازند۔ در ذکر مسح موزه مسح
بر موزه مرد و زن را درست است مسافر را شبانروز و مقیم را یک شبانروز اگر
بر طهارت کامل پوشیده باشد ناقضش ناقض وضو است۔ اشگاف در موزه که
برابر سه انگشت باشد مسح را مانع است و نیز اتمام مدت۔ در ذکر دباغت
پوست مرده سواے پوست آدمی و خنزیر از دباغت پاک می شود مسئله
جلد جانور مذبوح بغیر دباغت پاک است مسئله موے و استخوان مرده پاک است

در ذکر حیض ونفاس حیض آن خون است که از رحم زن جوان بیرون می آید کمتر مدت
آن سه شبانه روز است واکثر آن ده روز اگر ازین مدت زیاده وکم گردد بیماری است مسئله
نفاس آن خون است که بعد از تولد زن جوان ظاهر میشود اکثر مدت آن چهل روز است
وکم را حدی نیست مسئله زنان در حیض ونفاس نماز نگذارند ـ وروزه ندارند و
در مسجد نه درآیند ـ وطواف خانهٔ کعبه را ادا نکنند ـ وبغیر غلاف قرآن مجید را مس نکنند ـ و
با شوهران جمع نشوند مگر روزه قضا بکنند مسئله خون استحاضه حکم خون بینی دارد
هر نماز را وضو تازه باید کرد در ذکر طهارت ثوب واندام پاک می شود از آب وهر
آن چنانکه سرکه وآب وعصارهٔ میوه مسئله کفش وموزه پاک می شود از مالیدن اگر
نجاست تندار باشد ورنه باید شست مسئله شمشیر وچاقو وآئینه پاک میشود از مالیدن
وزمین از خشک شدن بشرطیکه نشان باقی نماند نماز بران درست است وتیمم روا نیست
فایدہ نجاست تندار مثل غایط وسرگین وغیر تندار مثل بول وغیره در ذکر نجاسات
خون وشراب وسرگین وروث اسپ وپس افگندهٔ ماکیان کوچه گرد وبول جانوران مردار
نجاست مغلظه باشد برابر درم شرعی نماز را مانع نیست ومعاف است وعلی هذا القیاس
بول جانوران حلال وپس افگندهٔ پرندگان حرام نجاست مخففه است مقدار ربع جیب
در عرض وطول نماز را مانع نیست مگر پاک کردن اولی مسئله هر نجاست که مرئی است
چندان بشوید که دور شود وغیر مرئی را سه بار بشوید وهر بار خشک کند چنانکه قطره موقوف
شود مسئله استنجا از خاک وسنگ وخشت سنت است واز آب افضل در ذکر نماز
در اوقات نماز وقت فجر از صبح صادق تا طلوع آفتاب است وقت ظهر چون آفتاب از استوا
بگذرد تا تضاعف سایه از سایهٔ اصلی هر چیز ـ وقت عصر از آخر وقت ظهر تا غروب آفتاب
وقت مغرب از غروب آفتاب تا زوال شفق وقت عشا از زوال شفق تا صبح صادق مگر
بعد نصف شب مکروه است ـ ووقت وتر بعد از عشا تا فجر است مسئله نماز وسجدهٔ
تلاوت ونماز جنازه وقت طلوع وغروب واستواء آفتاب منع است در ذکر فرایض نماز
فرض است در نماز تن وجامه وجای پاک داشتن ـ وستر عورت وشناختن وقت نماز
ونیت نماز ـ ورو بجانب قبله کردن این هفت چیز را احکام وشرائط نماز می گویند
تکبیر اول ـ وقیام ـ وقرأت ـ ورکوع ـ وسجود ـ وقعدهٔ آخر ـ وبیرون آمدن مصلی از نماز
بفعل ـ این را ارکان نماز میگویند ـ مسئله در واجبات نماز واجب است در نماز
سورهٔ فاتحه خواندن وختم سوره بآن تعیین قرأت در دو رکعت اول از فرایض

ترتیب درمیان ارکان نماز - تعدیل ارکان یعنے قرار گرفتن در رکوع و سجود و مقدار سہ تسبیح - قعدۂ اول و التحیات خواندن در ہر دو قعدہ - بلند خواندن در سہ نماز آہستہ خواندن در دو نماز امام را و منفرد مخیر ہست - بلفظ سلام از نماز بیرون آمدن تکبیرات عیدین خواندن - دعاء قنوت در وتر اگر یاد نباشد ربنا آتنا فی الدنیا حسنۃ و فی الآخرۃ حسنۃ وقنا عذاب النار - یا اللہم اغفر لی تا آخر سہ بار بگوید

در ذکر سنتہای نماز سنت ہست اذان و تکبیر اقامت برائے نماز فرض و ثنا خواندن بدین کلمات - سبحانک اللہم وبحمدک وتبارک اسمک وتعالی جدک ولا الہ غیرک و تعوذ یعنے اعوذ باللہ من الشیطان الرجیم - بعد ازان تسمیہ یعنے بسم اللہ الرحمن الرحیم و آمین آہستہ گفتن تکبیرات در رکوع و سجود و درود خواندن بدین کلمات اللہم صل علی محمد کما صلیت علی ابراہیم وعلی ابراہیم انک حمید مجید - اللہم بارک علی محمد کما بارکت علی ابراہیم وعلی آل ابراہیم انک حمید مجید و دعا این ہست اللہم اغفر لی ولوالدی ولمن توالد وارحمہما کما ربیانی صغیرا ولجمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منہم والاموات برحمتک یا ارحم الراحمین و رفع ہر دو دست وقت تکبیر تحریمہ مردان را تا اذن - و زنان را تا دوش - و دست بستن مردان را زیر ناف و زنان را بر سینہ چنانکہ یمین بر یسار باشد - و دست بر رکبہ نہادن در رکوع - سمع اللہ لمن حمدہ گفتن مر امام را - و ربنا لک الحمد گفتن مر مقتدی را و منفرد ہر دو صیغہ گفتن - و رفع سبابہ یعنے شہادتین بر لفظ لا الہ و نہادن بر لفظ الا اللہ -

در ذکر مکروہات نماز - مکروہ ہست اندر نماز کاریکہ خارج از نماز باشد کردن سر برہنہ گذاردن بغیر عذر و درست رست کردن لباس و خمیازہ کردن - بند انگشتان شکستن - چادر وغیرہ از دوش آویزان داشتن ترک سنت کردن - از صف علیحدہ استادن - انگشتری وغیرہ از زر پوشیدن -

در ذکر مفسدات نماز مفسد ہست مر نماز را بالاتر از امام استادن و خوردن و نوشیدن و کلام کردن و قرآن دیدہ خواندن و جواب عطسہ گفتن و فعل کثیر کردن و سلام کردن و جواب سلام دادن و باستماع خوشخبری الحمد للہ گفتن و با استماع مصیبت انا للہ گفتن و بغیر عذر تنحنح کردن و خندیدن و نالیدن

و روی گردانیدن از جانب قبله **در ذکر آداب نماز** در وقت قیام بر سجده گاه
نظر کردن و در وقت رکوع نظر بر اقدام و وقعتین و در سجده نظر بر بینی نگاشتن و در قعده
در کنار خود دیدن چون قصد سجده کند اول آن عضو بر زمین نهد که بزمین قریب باشد
علی هذا یکیک عضو را تمام بر زمین نهد و وقت قیام عکس آن بکند و چون سلام دهد
روی خود را اول جانب یمین و بعد از آن جانب یسار بگرداند و دهان را نزدیک
فازه بند نماید و سرفه را تا تواند باز دارد **مسئله** جماعت سنت موکده است هرگز
بغیر عذر ترک آن لازم نے واحق بامامت عالم تر بفقه است پستر عالم بقرأت قرآن
بعد از آن متقی و همچنین بدرجات - **مسئله** اگر در حالت نماز وضو از مصلی ساقط
شود باید که وضو کرده نماز را اتمام نماید اگر حرکتیکه مفسد نماز است صادر نشده باشد
مگر از سر گذاردن اولی است - اگر از امام وضو رفته باشد مقتدی را خلیفه کرده
وضو بکند **در ذکر نماز فوائت** در نماز وقتی و فائته و باهم در تمام فائته ترتیب
فرض است و از تنگی وقت و نسیان و کثرت فوائت یعنی از فوت شش نماز ترتیب
ساقط میشود **مسئله** اگر از سهو در نماز واجبی ترک شود یا در فرض تقدیم و تاخیر
شود سجده سهو لازم آید بعد تشهد یکطرف سلام داده دو سجده سهو بکند بعده تشهد
و درود و دعا خوانده نماز تمام کند منفرد باشد یا امام - **مسئله** از سهو امام بر مقتدی
و مسبوق سجده لازم آید **ف** مسبوق آنست که امام را در یک رکعت یا زیاده
از آن دریافته باشد **در ذکر نماز وتر** نماز وتر سه رکعت بیک سلام
واجب است در هر رکعت بعد فاتحه ضم سوره بکند و در رکعت سوم پیش از رکوع امام
و مقتدی هر دو قنوت بخوانند اگر یاد نباشد سه بار ربنا آتنا بخواند یا اللهم اغفر لی
تا آخر سه بار بخواند - **در ذکر مسافر** اگر کسی براه سه روز اراده سفر کند سفر تری
باشد یا خشکی پیاده باشد یا سوار چون آبادی وطن از نظر غائب شود فرض چارگانی
قصر کند یعنی دوگانی بخواند و روزه را افطار کند - **مسئله** اگر در وطن یا در شهری
اراده قیام پانزده روز بکند حکم مقیم دارد - **مسئله** قضا نماز سفر در حضر دوگانی
بگذارد و قضای حضر را در سفر چارگانی - **مسئله** اگر مقیم امام باشد و مسافر مقتدی
مسافر نیز چار رکعت بگذارد و اگر مسافر امام باشد و مقیم مقتدی مقتدی را باید که بعد از سلام
نماز را تمام کند - **مسئله** دو رکعت قبل از فرض فجر و چار رکعت پیش از فرض
ظهر و دو بعد از آن و چار قبل جمعه و چار و دو بعد آن و دو بعد مغرب و عشا سنت موکده

مسئله چهارده مقام در قرآن مجید سجده است بر تالی و سامع سجده واجب می شود اگر در نماز باشد یا بیرون از نماز در ذکر نماز جمعه نماز جمعه بر هر مرد آزاد جوان تندرست و مقیم فرض است بعد وجوب ترک آن مورث قساوت قلب است شرائط آن اینست - شهر - یا فنای شهر - مسجد جامع - پادشاه اسلام - وقت ظهر - خطبه - جماعت - اگر سه مقتدی باشند اذن عام برای دخول مسجد مسئله چون خطبه شروع شود شنیدن آن واجب است - دران وقت نماز نگذارد در ذکر نماز عیدین - نماز عیدین واجب است بر کسیکه واجب باشد بر جمعه شرائط جمعه و عیدین یک است - مگر خطبه در عیدین بعد نماز است - و وقت نماز عیدین بعد از طلوع آفتاب تا زوال است و در نماز عیدین شش تکبیرات سه بعد ثنا و سه در رکعت دوم قبل از رکوع - مسئله تکبیرات تشریق با امام از روز عرفه تا عصر سیزدهم است - در ذکر کسوف و خسوف چون آفتاب گرفته شود بگذارد دو رکعت نماز با امام یا بی او و چون ماه گرفته شود منفرد بخواند تا وقتیکه خسوف گرفته باشد در استغفار باشد در ذکر نماز استسقاء - چون امساک باران شود و خلق هراسان گردد هر مصلی رود دو رکعت نماز بگذارد به نیت استسقاء و خلق در لباس بدل باشند و امام خطبه بخواند و ایستاده دعا کند در ذکر نماز خوف اگر دشمن یا سباع خونی باشد دو گروه کرده شود یک گروه نماز ادا کند - گروه دیگر در دفع دشمن کوشد مقیم دو رکعت و مسافر یک رکعت بگذارد چون گروه اول از نماز فارغ شود بمقابله خصم آید گروه دوم نماز بگذارد و چون مضارعه باشند ادا کنند سوار باشارت و بانفراد نماز ادا کند هر طرف که تواند رو آرد - در ذکر تراویح در ماه صیام بعد سنت عشا پیش از وتر نماز تراویح بست رکعت بده سلام بگذارد و بعد هر چهار رکعت جلسه کند بقدر چهار رکعت - مسئله در تراویح یک ختم قرآن سنت است - در ذکر نماز جنازه نماز جنازه فرض کفایه است و شرط آن اسلام و طهارت میت است ولی میت هر کرا اجازت دهد امامت کند - مسئله در نماز جنازه چهار تکبیر است در اول ثنا در دوم درود در سوم دعاء مغفرت در چهارم سلام و دعای مغفرت اینست - اللهم اغفر لحینا و میتنا و شاهدنا و غائبنا و صغیرنا و کبیرنا و ذکرنا و انثانا اللهم من احییته منا فاحیه علی الاسلام و من توفیته منا فتوفه علی الایمان - اگر میت زن باشد ضمیرها بجای هو - بخواند اگر جنازه طفل باشد این دعا بخواند اللهم اجعله لنا فرطا

واجعله لنا اجرا و ذخرا واجعله لنا شافعا و مشفعا بخواند اگر جنازه صبیه باشد بجای اجعله اجعلها بخواند و بجای شافعا و مشفعا شافعة و مشفعة بخواند

نیت جنازه این است ـ نماز جنازه می گذارم چهار تکبیر برای استرضای خدای تعالی و دعا برای این میت

در ذکر روزه روزه عبارت است از ترک اکل و شرب و جماع واز صبح صادق تا طلوع آفتاب نیت در روزه شرط است ـ مسئله بر هر مسلمان عاقل و بالغ مرد باشد یا زن آزاد باشد یا غلام روزه رمضان فرض است و روزه نذر واجب است مسئله نفسا و حائضه و مسافر و مریض قضا کند مسئله از فراموشی چیزے بخورد یا بیاشامد یا جماع کند وغیره چنانکه احتلام شود و در سر روغن انداز د و در چشم سرمه کشد در روزه نقصان نیاید ـ مسئله در مفسدات روزه جماع یا اغلام کند یا کناند یا قصداً غذا یا دوا بخورد یا بنوشد نخیره قضا و کفاره هر دو لازم خواهد شد مسئله کفاره روزه این است اگر تواند بنده آزاد کند یا پے در پے دو ماه روزه دارد یا شصت مسکین را به سیری شکم طعام بخوراند مسئله شیخ فانی که روزه داشتن نه تواند فدیه دهد که طعام یک مسکین است

در ذکر صدقه فطر صدقه فطر واجب است بر آن کس که زکوة بر و واجب باشد و وقت آن پیش از طلوع آفتاب است مسئله صدقه برای هر فرد یک صاع جو یا نیم صاع گندم است مسئله صدقه فطر بدهد از طرف خویش و از بچه خویش و بنده خویش ـ

در ذکر اعتکاف در آخر عشره رمضان به نیت اعتکاف در مسجد معتکف نشیند سنت موکده است ـ و زن در مسجد خانه نشیند و معتکف بے ضرورت از مسجد بیرون نیاید مگر بر ضرورت حاجت چنانکه نماز یا رفع حاجت بشری ـ مسئله معتکف را خرید و فروخت و خوردن و آشامیدن و خفتن در مسجد جایز است لکن اسباب خرید و فروخت در مسجد حاضر نه کنند مسئله وطی و مساس و بوسه در اعتکاف حرام است اگر نیت اعتکاف روز بکند شب هم در اعتکاف است

در ذکر زکوة زکوة دادن از مال فرض است بر هر عاقل و بالغ مسلمان آزاد که مالک نصاب باشد ـ و ملک کامل داشته باشد ـ مسئله زکوة بے نیت ادا نمی شود باقی را از کتب دیگر دریافت نمایند

در ذکر حج ـ حج خانه کعبه در عمر یکبار فرض است بر مکلف صاحب اسلام شرط حریت و صحت و زاد و راحله برای آمد و رفت موافق باشد و از حاجت اصلی فاضل باشد و برای سواری و نفقه عیال کافی هست و در راه امن باشد مسئله اگر مسافت سفر در میان نباشد غیر محرمات را درست

یکدم مهمل مگذاری شاید که دم آخر باشد و در یاد حق سر شود چه خوش باشد - ای فرزند در هر دم
خدا را یاد کن و حق را دوست دار که آخر کار با دست نمی بینی که چون کسی بمیرد یار و دوست
و فرزندش تا گور رفیق اند در شکم زمین سپرده می روند چون حال این است محبت با ایشان
چه شود - دل در بند کسی کن که وفا و بقا دارد او تعالی هست و بس - ای فرزند از جادهٔ توحید
بر مگرد و در صوم صلوة قایم باش و کار دنیا را مختصر گیر که فرصت کم است و دنیا را وفا نیست
غم دین خور غم دین خور - ای فرزند تا توانی با وضو باش وضو حصار نیست آهنی مر مسلم را
که صاحب او در حفظ باشد - اے فرزند چون صبح برخیزی خدا را یاد کن از حاجت ضروری
فارغ آمده وضو بکن تو نماز نگذار و سورهٔ یسین شریف دایم مے خوان و پاره لیک
قران شریف لازم گیر هر چند توانی کثرت درود کن - اے فرزند در هر کار رجوع
توکل بر خدا کن بر اسباب تکیه مکن ای فرزند در نماز سستی مکن که دلیل
و بیشی است - ای فرزند جمعه ترک مکن - وتر گذارده در خواب رو - اے فرزند علم بیاموز
که جهت خالقیت و جهت مخلوقیت نیکو شناسی و نتایج پسندیده از علم حاصل کنی - ای
فرزند در حدیث صحیح وارد است که هر صباح و مسا بسم الله الذی لا یضر مع اسمه
شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم - سه مرتبه بخواند از هر گزند
بر کنار باشد چنانکه فقیر یاد دارم که روزے این دعا را وظیفه کرده بودم بعد مغرب از سقف
خانه کژدمے بر جسم من افتاد من از اشتغال دیگر امور بخیال کرمے بر و التفات نکردم همچنین
از دست دور می کردم باز بر می آمد تا سه کرت چون نیک نگریستم دانم که عقرب است پس کارش
تمام کردم لیکن از نیشش محفوظ ماندم دانستم که برکت دعا است - ای فرزند که اگر کثرت
غم بر تو استیلا نماید لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم را ملازم باش ای
فرزند چون در سر انجام کارے متردد باشی افوض امری الی الله ان الله بصیر
بالعباد - بخوان از غیب کارسازی گردد - ای فرزند استغفار را ملازم باش که در آخرت
خوشنود باشی - ای فرزند استاد را ادب کن که خیر الآباء است - ای فرزند در آزار کسی
مباش تا توانی راحتے رسان - ای فرزند مهمان را تعظیم کن که مهمان انعام خدا است - ای فرزند
با جوار با مروت و با شفقت باش - روزے پدرم رحمة الله علیه مرا پندی فرمود که ای فرزند
زندگانی کن با خلق بے غرور و با وقار و با خالق با نیاز و خلوص الحق خوب فهم فرمود ای فرزند
زن و فرزند را نیکو دار - ای فرزند تا توانی در نشستن و برخاستن و گفتن و ملاقات
و خفتن و خوردن و پوشیدن و نوشیدن و شنیدن و دادن در جمیع احوال

جانب شیخ ... را فروگذاری در شریعت پیغمبر ما صلے اللہ علیہ وسلم ہمہ ادب است
یقین بدان کہ باوجود چندے فہمان ہستیم لازم فہمان ادب است ہر کہ ادب ورزید
چہ پیش خالق وچہ پیش خلق عزیز گردید والحمد للہ اولاً وآخراً وصلی اللہ
علے محمد خیر الورے وعلے آلہ واصحابہ اجمعین

قطعہ تاریخ اختتام از فقیر مؤلف

ہاشمی ختم شد کتاب عزیز	خوش بگوئی سپاس رب عزیز
گفت سالش دلم ز روی بہا	خوش بیان نماز و روزہ بود
	١٣٠٥

قطعہ تاریخ اختتام از برادر مؤلف مسمی سید محمود صاحب

حضرت اخوی من مولا فضل و عتبا	صاحب عرفان و نسبت اہل فیض دائمی
خوش کتابی گفت اندر فقہ آن عالیجناب	مژدہ فرمای مصلی شاد باش ای صائمی
گفت محمود نیاز آگین سن اتمام آن	یادگار ہاشمی نیکو نگار ہاشمی
	١٣٠٥

قطعہ تاریخ از ہمشیرہ زادہ حضرت مؤلف مولوی سید بہاء الحق الملقب بہ ابوالخیر

آنکہ ماموی من بفضل و کمال	ہست در دین عالم و فاضل
کرد تصنیف یک کتاب عجیب	در مسایل مدلل و مجمل
گفت ابوالخیر سال اتمامش	سخن دین و دولت کامل
	١٣٠٥

(بسعی شیخ حاجی محمد عبد الرحیم صاحب [illegible] شرف چاپ شد)

اطلاع

درینولا کتاب نفیس کتاب در بیان چند ضروری مسایل فقه دینیه
مفید خاص و عام موسوم به **معدن الاسلام** که کافه مسلمین بمطالعه آن واسطے اعمال
و عبادات فرضیه نمودن توانند و همین تعلیم شرعیات مستفید شوند بجهت آنها جناب فضیلت مآب
خلاصه خاندان مصطفوی و نقاوه دودمان مرتضوی واقف علوم فروع و اصول کاشف دقائق
معقول و منقول عمدة الذاکرین نخبة العابدین لوذعی والمعی زمانه مولوی سید محمد صاحب ہاشمی
بن سید اسمعیل صاحب ہسوری دام فیضہ محض بنظر افادہ طلباے مدارس وغیرہ تالیف
فرموده برای انطباع بمطبع ہذا الطریق ہبہ عطا فرموده ہیں بلا اجازت مالکین مطبع کسے
قصد طبعش نه نماید و بخیال حصول منفعت نقصان نه رساند و فقط

العبد

بشیر خان